

شماره ثبت: ۶۴۱

شماره چاپ: ۸۴۹

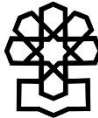
مسلسل: ۱۸۰۷۲

بهمین ۱۴۰۰

دوره یازدهم - سال اول

تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۸/۱۱

**اظهار نظر کارشناسی درباره:**  
**«طرح نحوه اجرای اصول یکصد و پنجاه و دوم (۱۵۲) و یکصد و پنجاه و سوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»**



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۰۷۲

کدموضوعی: ۲۶۰

شناسنامه گزارش

**عنوان گزارش:** اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح نحوه اجرای اصول یکصد و پنجاه و دوم (۱۵۲) و یکصد و پنجاه و سوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین کنندگان: فاطمه سلیمانی پورلک، علیرضا بیگی

ناظران علمی: مهدی امیری، مصطفی محمدی رضانی

اظهار نظر کنندگان: محمد صالحی، میثم عظیمی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. قانون اساسی

۲. سیاست خارجی

۳. سلطه‌ستیزی

۴. اصل یکصد و پنجاه و دوم

۵. اصل یکصد و پنجاه و سوم



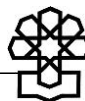
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
۱. ارزیابی شکلی طرح «نحوه اجرای اصول یکصدوپنجاهودوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» .....	۲
۲. ارزیابی محتوایی طرح «نحوه اجرای اصول یکصدوپنجاهودوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» .....	۳
جمع‌بندی .....	۱۶





اظهار نظر کارشناسی درباره:  
«طرح نحوه اجرای اصول یکصدوپنجاهودوم (۱۵۲) و  
یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

مقدمه

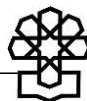
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت‌گیری‌های بنیادین سیاست خارجی کشور را بر آموزه‌های اسلامی نظیر استکبارستیزی، سلطه‌ستیزی، استقلال‌طلبی، عدم تعهد در برابر قدرت‌های بزرگ و دفاع از مسلمانان و مستضعفان جهان (به‌ویژه حمایت از نهضت‌های آزادیبخش اسلامی) استوار ساخته است. این مفاهیم و مضامین هنجاری در قسمت‌های مختلف قانون اساسی از جمله مقدمه و همچنین اصول یکصدوپنجاهودوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) به‌وضوح مشاهده می‌شود. در همین راستا، به‌نظر می‌رسد که «طرح نحوه اجرای اصول یکصدوپنجاهودوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به‌منظور تقویت و عینیت‌بخشی بیشتر به اصول سیاست خارجی قانون اساسی تدوین شده است.

۱. ارزیابی شکلی طرح «نحوه اجرای اصول یکصد و پنجاه و دوم (۱۵۲) و یکصد و پنجاه و سوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

ارزیابی کارشناسانه طرح نشان می‌دهد که متن از نظر نگارش ادبی و انشائی فارسی نیازمند ویرایش جدی است؛ اشتباهات نگارشی، واژگان تکراری متوالی، به‌کارگیری نامناسب حروف از جمله رایج‌ترین نقصان‌های نگارشی این متن است. مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

**اول** اینکه، برخی از مواد از جمله در تبصره ماده (۲) غلط املائی (کلمه «مطرح») وجود دارد و یا اطلاق عبارت «انجام مذاکره» مصرح در ماده (۳)، نسبت به مواردی که دولت جهت رفع تحریم، نیاز به انجام مذاکره دارد، دارای اشکال است.

**دوم** اینکه، همچنین در مواد (۱)، (۳)، (۵) و (۶) از سه نقطه «...» به‌جای کلمه «و غیره» استفاده شده است. **گنجانیدن علامت سه نقطه (...)** در ماده (۳) با اصول نگارش و دستور زبان فارسی و **تدقیق قانونگذارانه در تعارض است**. به‌ویژه آنکه در حقوق بین‌الملل هریک از اقسام معاهده، سند همکاری، موافقتنامه، قرارداد بین‌المللی و مقاله‌نامه دارای مفهوم، معنا و بار حقوقی خاص خود است و در صورت لزوم شمول حکم ماده مذکور بر تمامی اقسام این دست از قراردادهای بین‌المللی، باید همه آنها ذکر شود. در نتیجه این ماده نیز از این حیث مغایر با بند «۹» سیاست‌های کلی قانونگذاری است. این نکته در مورد عبارت ماده (۳)، (۵) و (۶) نیز صدق می‌کند. افزون بر این، کاربرد علامت سه نقطه (...) در نگارش فارسی در مواقعی است که قسمتی از متن حذف شده یا سخنی ناتمام مانده باشد و یا انتهای جمله برای سایر موارد مشابه مفتوح بماند. بنابراین، کاربرد



این علامت آن هم در دو بخش از یک ماده، بر بی‌انتهایی تفسیر از الگوهای رفتاری کشور در حوزه روابط قراردادی در محیط بین‌المللی دلالت دارد. پرواضح است که در یک متن سیاسی، حقوقی که از هر واژه معنای دقیقی مستفاد می‌گردد، حذف کردن بخشی از نوشتار یا ناتمام گذاشتن آن و یا مفتوح نهادن و واگذار کردن آن به تفسیر مخاطب از دقت، صراحت و شفافیت آن می‌کاهد.

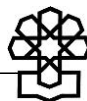
## ۲. ارزیابی محتوایی طرح «نحوه اجرای اجرای اصول یکصدوپنجاه و دوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاه و سوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

از حیث محتوایی و از منظر سیاست خارجی توجه به چند ملاحظه درباره طرح ضروری به نظر می‌رسد. مهم‌ترین این ملاحظات به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱. در مقدمه طرح به درستی به مبانی و دلالت‌های قرآنی اصول یکصدوپنجاه و دوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاه و سوم (۱۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. تلاش تدوین‌کنندگان طرح بر آن بوده تا منبع و منشأ دینی ناظر بر اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را استخراج و عرضه نمایند. در این راستا می‌توان اذعان داشت که نفی و طرد کامل هرگونه سلطه‌گری، ستم‌گری، سلطه‌پذیری و ستم‌پذیری از اصول هنجاری اولیه و مهم سیاست خارجی کشور است. جمهوری اسلامی ایران برمبنای آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی در سیاست خارجی خود از هرگونه مناسبات و روابط مبتنی بر سلطه اجتناب می‌ورزد. به‌طور طبیعی و منطقی، برتافتن سلطه متضمن عدم وابستگی و عدم تعهد نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر و حق تعیین سرنوشت است. به

تعبیر امام خمینی (ره) «هر ملتی، حق دارد، سرنوشت خود را تعیین کند». بر این مبنا، جمهوری اسلامی ایران به صراحت تسلط و استیلای کفار بر مسلمانان را به صورت همیشگی و ابدی نهی و نفی می‌کند. بر همین اساس، مؤمنان و مسلمانان باید در تشریح، قانونگذاری، سیاستگذاری و به‌ویژه در سیاست خارجی به‌گونه‌ای عمل کنند که این احتمال و امکان از اساس منتفی شود. در همین راستا، **مقام معظم رهبری هم «سلطه‌ستیزی» را به‌عنوان شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند.** برای مثال، ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان جدیدترین سند کلان سیاستگذاری کشور، بیشترین مفهومی را که در حوزه سیاست خارجی از آن سخن به میان آوردند مفهوم «مقاومت جهت نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» بوده است. «حفظ استقلال» و «حمایت از مستضعفان و مسلمانان جهان» نیز از دیگر مفاهیم پربسامد بیان شده از جانب ایشان است. بنابراین، **دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن رعایت سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» باید در تنظیم روابط و مناسبات بین‌المللی به موضوع «مرزبندی با دشمنان» توجه ویژه‌ای داشته باشد.**

۲. مقدمه فاقد مبانی توجیهی رایج در طرح نویسی قانونگذارانه است. کاستی موجود در این زمینه به مغفول ماندن کلیات و رئوس پیرامون اهمیت، ضرورت، دلایل و اهداف طرح بازمی‌گردد. بنابراین، ضروری است تا به این موارد کلی نیز به‌گونه‌ای در مقدمه توجیهی طرح پرداخته شود که صرفاً مفاهیم و مضامین اصول یکصدوپنجاه‌دوم و یکصدوپنجاه‌وسوم قانون اساسی تکرار نشود. در این زمینه در مقدمه باید عامل و دغدغه‌ای که منجر به نگارش این طرح شده توضیح داده شود، سپس ضمن تبیین اهمیت موضوع



طرح، به بیان چرایی تدوین و ارائه آن پرداخته شده و از این رهگذر دلایل و ضرورت‌های آن روشن گردد. ضمن اینکه هدف یا اهداف تدوین طرح نیز باید به‌وضوح تشریح شود.

۳. در ماده (۱)، به چند نکته باید توجه شود:

**اول** اینکه، بندهای «۱» تا «۴» که بر حفظ همه‌جانبه استقلال، حفظ همه‌جانبه تمامیت ارضی، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و دفاع همه‌جانبه از حقوق همه مسلمانان جهان در برابر دشمنان اسلام دلالت دارند، فاقد هرگونه نوآوری هستند. به این معنا که چهار بند اول از ماده (۱) به نوعی تکرار مندرجات اصل یکصد و پنجاه و دوم (۱۵۲) و همچنین اصول دوم (۲) و سوم (۳) قانون اساسی است.

**دوم** اینکه، با در نظر گرفتن ملاحظه فوق باید افزود که بند «۳» نیازمند ویرایش جدی و دقیق است. جهت اصلاح این بند شایسته است قسمت مشخص شده به متن اضافه شود: «سیاست خارجی کشور به‌نجوی طراحی و اجرا شود که هرگونه سلطه‌جویی دولت‌های بیگانه و سلطه‌پذیری در برابر دولت‌های بیگانه منتفی باشد».

**سوم** اینکه، احکام ذیل ماده (۱) به‌ویژه در زمینه دفاع از حقوق مسلمانان به‌درستی مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال، مفاد این احکام به شکل تفصیلی و با ذکر جزئیات در چند قانون دیگر با موضوعیت مقابله با رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق حقه ملت مظلوم فلسطین پرداخته شده است. در این راستا می‌توان به «قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت»، «قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» و «قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» اشاره کرد. بنابراین، به‌منظور پرهیز از تکرار کلیات، در این قسمت پیشنهاد می‌شود که احکامی با مضامین زیر و با قابلیت اجرایی و عملیاتی در حوزه سیاست خارجی گنجانده شوند:

- (الف) سیاست خارجی مبتنی بر ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و جهانی برای گسستن پیوندهای مبتنی بر وابستگی به قدرتهای سلطه‌گر؛
- (ب) سیاست خارجی مبتنی بر مقاومت (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) در برابر الزامات ساختاری تحمیلی و نهادینه‌سازی مقاومت در قالب یک جبهه منسجم و متشکل از بازیگران همسو اعم از دولتی و غیردولتی؛
- (ج) ترویج و اشاعه آمریکاستیزی در غرب آسیا و به‌ویژه در جهان اسلام؛
- (د) تضعیف بنیان‌های سلطه‌محور و وابسته‌ساز نظام بین‌الملل موجود و اصلاح آن بر مبنای احترام عملی به حاکمیت ملی کشورها، عدم مداخله و روابط همکاری‌جویانه با دولت‌های مستقل؛
- (ه) پیشبرد سیاست خارجی کشور به سوی تحقق ایده مقام معظم رهبری مبنی بر تشکیل «دولت مقاومت»؛
- (و) تفهیم ارزش و اهمیت عمق‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه برای افکار عمومی؛
- (ز) انسجام و هماهنگی هرچه بیشتر دیپلماسی و میدان؛
- (ح) تبیین تفکیک ناپذیری دیپلماسی و میدان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.
- چهارم** اینکه، بند «۴» اساساً مطلب خوبی را در بردارد که همواره مورد تأکید رهبران انقلاب اسلامی بوده است. شایسته است به‌صورت جزئی‌تر از مسلمانان محور مقاومت سخن به میان آمده و دولت و دستگاه سیاست خارجی را مکلف به حمایت همه‌جانبه از اعضای محور مقاومت در برابر دشمنان اسلام کرد.



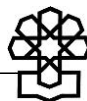
پنجم اینکه، بند «۵» با این عبارت که «سیاست خارجی کشور به‌نحوی تدوین و اجرا شود که بین دولت ایران و قدرت‌های سلطه‌گر که به هر نحوی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و یا مسلمانان جهان سلطه‌گری دارند، معاهده متقابل یا چندجانبه منعقد نگردد»، به الزام دولت به عدم برقراری روابط قراردادی با قدرت‌های سلطه‌گر اشاره دارد. از متن این‌گونه مستفاد می‌شود که این ممنوعیت، گسترده و فراتر از معاهدات دوجانبه بوده و به معاهدات چندجانبه با قدرت‌های سلطه‌گر نیز تسری می‌یابد. طبعاً اطلاق ممنوعیت مندرج در این بند شامل عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به این قبیل معاهدات چندجانبه به‌طور اعم حتی معاهداتی که تأمین‌کننده منافع ملی کشور نیز باشند، نیز می‌گردد. از این‌رو، ضروری است که قانونگذاران محترم در خصوص معاهدات چندجانبه‌ای که قدرت‌های سلطه‌گر نیز در آن حضور دارند، شروطی را به‌طور مشخص تعیین کنند تا الحاق جمهوری اسلامی ایران به این قبیل معاهدات، محدود و مشروط و نه کاملاً مسدود گردد؛ زیرا در برخی مواقع استیفای حقوق جمهوری اسلامی ایران از طریق حضور در معاهدات چندجانبه‌ای ممکن است که احتمال دارد یک یا چند تن از اعضای آن جزء بازیگران و کشورهای سلطه‌جو باشند. قطعاً دوری مفرط از معاهدات بین‌المللی - که به ناگزیر برخی از اعضای آن از بازیگران قدرتمند سلطه‌جو هستند - جمهوری اسلامی ایران را از حصول حق و تحقق منافع خود دور خواهد کرد. باید توجه داشت که گستره شمول و فراگیری این بند، حضور نهادی ایران را در برخی کنوانسیون‌ها و پیمان‌های بین‌المللی چندجانبه محدود می‌سازد. کما اینکه در حال حاضر، ایران عضو معاهدات، قراردادهای و نهادهایی است که قدرت‌های سلطه‌گر نیز در آن عضویت و حضور دارند. بنابراین، ضروری است که نسبت به تعمیم ممنوعیت روابط قراردادی دولت با قدرت‌های

سلطه‌گر از معاهدات دوجانبه به معاهدات چندجانبه دقت و تأمل بیشتری صورت گیرد. پیشنهادی که در این رابطه می‌توان ارائه داد چنین است که در این بند عبارت «چندجانبه» حذف گردد و تنها به منع توافق متقابل و دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سلطه‌گر بسنده کرد.

**ششم** اینکه، در بند «۶»، منظور از دولت‌های غیرمحراب و سلطه‌گر مشخص نیست و واجد ابهام است. از آنجا که در ماده (۵) نیز به رژیم محارب نیز اشاره شده است، لازم است تا تعاریفی مجزا و حقوقی از این نوع دولت‌ها ارائه شود و سپس تکلیف ارتباط دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به آنان در حوزه روابط خارجی مشخص گردد. در همین بند، تدوین مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است باید به واژه اجرا تغییر یابد.

**هفتم** اینکه، موارد مصرح در ماده (۱) از جنس سیاست‌های کلی نظام است و به موجب بند «۱» اصل یکصدودهم قانون اساسی تعیین این سیاست‌ها برعهده مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بنابراین ماده مذکور از این حیث مغایر با اصل یکصدودهم قانون اساسی است. به عنوان مثال در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۴/۴/۹ در ارتباط با امور سیاست خارجی احکامی مقرر شده است.<sup>۱</sup>

۱. ۵۹ - حفظ و افزودن بر دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه آسیای جنوب غربی .  
 ۶۰ - اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه سرمایه گذاری خارجی ، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم انداز .  
 ۶۱ - توسعه کمی و کیفی رسانه های فرامرزی با زبان های رایج بین المللی .  
 ۶۲ - ایجاد زمینه های لازم در جهت جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در توسعه ملی و تأثیر بر سیاست های نظام سلطه در دفاع از منافع ملی .  
 ۶۳ - بهره گیری حداکثری از روش ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی



هشتم آنکه، مفاد ماده (۱) با عبارت پردازی‌های متفاوت در سیاست‌های کلی نظام و اصول متعدد قانون اساسی مانند اصول دوم، سوم، نهم و هفتاد و هشتم، یکصد و پنجاه و دوم، یکصد و پنجاه و سوم و یکصد و پنجاه و چهارم نیز آمده است، فلذا لزومی به ذکر آن وجود ندارد. نهم اینکه، در ماده (۱) و دیگر مواد این طرح، مرجع دقیق اجرای احکام آن مشخص نگردیده است. آیا نهاد متولی تدوین و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وزارت امور خارجه است و یا سایر نهادها را نیز شامل می‌شود؟ لذا از این حیث دارای ابهام بوده و روشن نیست.

۴. ماده (۲) به ضرورت اخذ مجوز توسط دولت یا وزارت امور خارجه قبل از انعقاد هرگونه معاهده، سند همکاری، موافقتنامه و قرارداد بین‌المللی و یا قبل از ورود به مذاکرات تعهدآور با دولت‌های بیگانه اشاره دارد. چند ملاحظه ناظر بر این ماده وجود دارد:

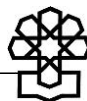
**اول** اینکه، از نظر حقوقی آن دسته از متون و اسنادی که دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها امضا می‌کند و در حکم معاهده بین‌المللی است، برای لازم‌الاجرا شدن نیازمند رأی و تصویب مجلس شورای اسلامی است. پرواضح است که عدم تصویب متن امضا شده دولت توسط مجلس نتایج مطلوبی از حیث اعتبار سیاسی برای کشور به همراه ندارد. از این رو، وجاهت سیاسی اقتضای آن را دارد که از قبل هماهنگی لازم بین قوای مجریه و مقننه در زمینه امضا و تصویب معاهدات بین‌المللی شکل بگیرد تا دولت متن قراردادهای و توافق‌هایی را امضا کند که از تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی مطمئن باشد. با وجود این، در اغلب کشورها این هماهنگی به صورت غیررسمی و در قالب تعاملات بین‌نهادی صورت می‌پذیرد. بنابراین، **بهتر است که این الزام در قالب یک**

مکانیسم رسمی نهادینه نگردد تا بر محور سازوکارهای غیررسمی هماهنگی و همکاری، دولت نیز استقلال خود را در عین هماهنگی با مجلس حفظ کند.

دوم اینکه، به موجب اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) قانون اساسی، ایفای نقش نظارتی بر قراردادهای و معاهدات بین‌المللی که دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها به امضا می‌رساند، صرفاً به عهده مجلس شورای اسلامی و سپس شورای نگهبان واگذار شده است. این در حالی است که ماده (۲) طرح از یک‌سوم، مستلزم و متضمن تصویبِ مقدّم بر امضای قرارداد است که با نظر تفسیری شورای نگهبان<sup>۲</sup> در این زمینه مغایرت دارد و از سویی دیگر، به شورای عالی امنیت ملی نیز شأنیت و صلاحیت نظارت بر معاهدات و قراردادهای بین‌المللی اعطا می‌کند و این مقرره مغایر با متن مصرّح قانون اساسی است. همچنین، قرار دادن دو نهاد موازی در کنار یکدیگر مغایر نظام اداری صحیح موضوع بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی است و مشخص نیست در صورت اختلاف نظر این دو نهاد چه باید کرد. از این رو شایسته است در ماده (۲) طرح بازنگری صورت بپذیرد تا از تداخل وظایف سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط ممانعت به عمل آمده و زمینه‌های تسهیل و تسریع امضای قراردادهای پس از نظارت وافی و کافی فراهم شود.

سوم اینکه، ماده (۲) علی‌الاطلاق به دولت‌های بیگانه اشاره دارد. به نظر می‌رسد که منظور طراحان محترم از ترکیب «دولت‌های بیگانه» معطوف به قدرت‌های سلطه‌گر است. اما حوزه اطلاق این عبارت چنان گسترده است که تمامی دولت‌ها را دربرمی‌گیرد که در این صورت، بهتر است از به کار بردن مفاهیمی از این دست درباره تمامی دولت‌ها اعم از دوست و دشمن پرهیز شده و مفاهیمی همچون «قدرت‌های سلطه‌گر» و یا «دولت‌های

۲. نظر تفسیری شورای نگهبان به شماره و تاریخ ۹۷۸۱ - ۳ / ۱ / ۱۳۶۲ بدین شرح است: «تصویب مجلس شورای اسلامی که به قرارداد رسمیت می‌دهد مؤخر از انعقاد قرارداد انجام می‌شود».



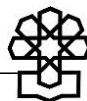
خارجی» و یا «دولت‌های محارب» جایگزین «دولت‌های بیگانه» شود. بدیهی است که اصلاح این ماده مستلزم و متضمن اصلاح تبصره آن نیز خواهد بود. شایان ذکر است که ملاحظه قبلی در خصوص گسترش دامنه نظارت بر امضا و انعقاد معاهدات بین‌المللی توسط دولت فی‌نفسه و به طریق اولی مقدم بر این ملاحظه بوده و آن را منتفی می‌کند.

**چهارم** اینکه، با لحاظ کردن ملاحظات فوق باید همچنین خاطرنشان ساخت که تبصره ماده (۲) به تعیین بازه سه ماهه از زمان وصول تقاضای دولت یا وزارت امور خارجه توسط شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی به‌عنوان فرصت زمانی جهت اعلام موافقت یا عدم موافقت این نهادها اشاره می‌کند. این در حالی است که هیچ ضمانت اجرایی برای الزام این دو نهاد به اعلام نظر تعیین شده و مشخص نیست در صورت عدم رعایت این بازه زمانی، چه سرنوشتی در انتظار تقاضای دولت یا وزارت امور خارجه خواهد بود. شایسته است یا ضمانت اجرا برای عدم تجاوز از زمان معین شده توسط دستگاه‌های مربوط تعیین شود و یا اینکه قید شود در صورت عدم اظهار نظر دستگاه مشارالیه در بازه زمانی مزبور، تکلیف از عهده دولت ساقط شده و مجلس به صلاحدید خود عمل خواهد کرد و در این صورت حرجی بر آن نخواهد بود.

۵. ماده (۳) بر «ممنوعیت هرگونه روابط صلح‌آمیز و انعقاد معاهده، سند همکاری، موافقتنامه و قرارداد بین‌المللی و ... و انجام مذاکره و ... با تحریم‌کنندگان که به تحریم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مقامات و اتباع جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند، تا زمان رفع کامل تحریم‌ها» دلالت دارد. ضروری است تا مندرجات و محتوای این ماده از چند جهت مورد توجه قرار گیرد:

**اول** اینکه، مضمون ماده (۳) به‌نحوی از مفاد قانون اساسی در اصول یکصدوپنجاه‌دوم (۱۵۲) و یکصدوپنجاه‌وسوم (۱۵۳) مستفاد می‌گردد و در زمره سیاست‌های کلان نظام قرار می‌گیرد. از این‌رو، با توجه به ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی کشور لازم است که اخذ تصمیم در زمینه ممنوعیت انعقاد موافقتنامه و معاهده بین‌المللی و مذاکره با تحریم‌کنندگان به‌عنوان مصادیق دولت‌های سلطه‌گر و بیگانه همچنان در اختیار نهادهای حاکمیتی بالادستی (مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام) باقی بماند. همان‌گونه که بندهای «۱» و «۲» از اصل یکصدودهم (۱۱۰) قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» از وظایف و اختیارات رهبری محسوب می‌شود.

**دوم** اینکه، الگوی رفتاری سیاست خارجی کشور در برابر تحریم‌کنندگان آمریکایی که به اقدام خصمانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و مقامات و اتباع ایرانی مبادرت کرده‌اند، پیش از این در طرح‌های دیگری نیز مشخص شده است. در این راستا، تحریم متقابل و ممنوعیت هرگونه مراوده و تعامل با تحریم‌کنندگان آمریکایی اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی در «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» به‌موجب مواد (۴)، (۶)، (۷) و (۸) و در «قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا به‌موجب مواد (۸) و (۱۲)، به تفصیل تعیین و تشریح شده است. بنابراین، طرح مجدد کلیات در این باب فاقد فایده‌مندی قانونگذارانه به‌نظر می‌رسد. دغدغه



نویسندگان این ماده را می‌توان در طرح قانون جدیدی برای حمایت از اشخاص و سازمان‌های مرتبط با محور مقاومت تحقق بخشید.

۶. ماده (۴) طرح به «ممنوعیت انعقاد هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود»، اشاره دارد. دو ملاحظه مهم ناظر بر این ماده است:

**اول** اینکه، ماده (۴) تکرار مضمون و مراد اصل یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) و همچنین اصل چهل‌وسوم (۴۳) (بند «۸») قانون اساسی است و محتوای جدید یا مکملی نسبت به این اصول ندارد.

**دوم** اینکه، ماده (۴) در راستای اصل یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۳) تدوین شده، اما اشاره‌ای به این اصل نکرده است. به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان طرح تمرکز بیشتر را بر اصل یکصدوپنجاهوسوم (۱۵۲) نهاده‌اند و این در حالی است که در عنوان طرح به هر دو اصل اشاره شده و از این رو لازم است اصل تناظر در این زمینه رعایت شود. بنابراین، به منظور رعایت دقت و تناسب در متن بهتر است که همانند بخش‌های قبلی که صراحتاً به ماده (۱۵۲) و مضامین قانونگذارانه آن اشاره شده، در این قسمت نیز اشارات لازم به ماده (۱۵۳) و مدلولات قانونگذارانه آن صورت پذیرد.

۷. ماده (۵) به «هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان محاربه با اسلام محسوب شده و هرگونه روابط صلح‌آمیز و انعقاد معاهده، سند همکاری، موافقتنامه و قرارداد بین‌المللی و ... و انجام مذاکره و ... با دولت‌ها و رژیم‌های محارب تا زمان توقف کامل اقدامات نظامی ممنوع است» اذعان می‌دارد. اشاره دارد. دو ملاحظه مهم ناظر بر این ماده است:

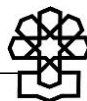
**اول** اینکه، به موجب ماده (۲۷۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. بنابراین از آنجا که جرم محاربه تعریف قانونی مشخص و معین خود را دارد، ماده (۵) طرح پیشنهادی مغایر با ماده مذکور است. در صورتی که قانونگذار قصد اعمال مجازات جرم محاربه نسبت به کسانی که بر علیه دولت جمهوری اسلامی، اقدام نظامی نموده‌اند را دارد، باید بیان کند جرم مذکور در حکم محاربه و یا مشمول مجازات مقرر در ماده (۲۷۹) قانون مجازات اسلامی است.

**دوم** اینکه، نکته دیگر در ارتباط با ماده (۵) آن است که «اقدام نظامی» در این ماده تعریف نشده و حدود و ثغور آن مشخص نگردیده است. به عنوان مثال آیا پرتاب موشک از یک کشور متخاصم به کشور جمهوری اسلامی ایران در صورتی که به تلفات جانی و انسانی منجر نگردد، نیز مشمول حکم این ماده خواهد شد یا خیر؟ از سوی دیگر در فرض صحیح دانستن محارب بودن کسانی که بر علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام نظامی کرده‌اند طریقه محاکمه آنها مشخص نگردیده است. بنابراین این ماده از این حیث نیز دارای ابهام است.

۸. در ماده (۶) طرح، توجه به چند نکته ضروری است:

**اول** اینکه، بهتر است که به جای عبارت «دولت‌های بیگانه» از «قدرت‌های سلطه‌گر» استفاده شود که حوزه اطلاق آن اعم از قدرت‌های سلطه‌گر و غیر آن است.

**دوم** اینکه، ماده (۶) به جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای نقض سایر مواد پرداخته است. این ماده اگرچه به ظاهر می‌تواند به عنوان نوآوری این طرح قلمداد شود، اما به جهات عدیده دارای ایراد و ابهام است و عملاً بیش از آنکه بتواند اثر مثبتی در روند



اجرای کردن مفاد مواد دیگر طرح داشته باشد به نوعی فرایندهای اجرای سیاست خارجی را با اختلال جدی و ابهام مواجه سازد. برخی از این ابهامات عبارتند از:

- یکی از اصول و قواعد مهم در جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری ضرورت بهره‌مندی از ادبیات غیرقابل تفسیر و پرهیز از عبارات کلی در این فرایند است. ماده مورد بحث رکن مادی جرم را انعقاد معاهده یا سند همکاری یا مذاکره تعهدآور بدون رعایت مفاد این قانون تعیین نموده، حال آنکه سایر مواد این طرح چنانچه اشاره شد، در مواردی بسیار کلی و قابل تفسیر می‌باشند که همین امر موجب می‌شود مقامات قضایی در احراز وقوع این جرم با مشکل و ابهام مواجه شوند.

- آیا مقام قضایی به تنهایی می‌تواند در تشخیص اینکه انجام یک مذاکره یا انعقاد یک سند همکاری در چارچوب و منطبق با موارد کلی مذکور در ماده (۱) بوده یا تعدی از آنها صورت گرفته است، مسیر درست و صحیحی را طی کند؟

- در مواردی که یک سند همکاری منعقد و تشریفات لازم نیز رعایت می‌شود، چنانچه در گذر زمان و با اجرای مفاد آن مشخص گردد این سند همکاری بدواً در تعارض با مفاد این قانون بوده، آیا چنین مواردی را نیز باید مشمول حکم این ماده دانست و مرتکبین را تحت تعقیب کیفری قرار داد و یا اینکه در این گونه موارد به جهت تأیید اولیه از سوی شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی به هیچ‌وجه نمی‌تواند مشمول این حکم شوند یا اینکه در هر مرحله تمامی افرادی که در نهایی‌سازی سند مزبور مداخله و همکاری داشته‌اند نیز مشمول این ماده بوده و در نتیجه تعقیب کیفری خواهند شد.

- در صورت تحقق مصداق خارجی برای ماده (۶) قلمرو و گستره مرتکبین نامعلوم است آیا صرفاً مذاکره کننده یا امضا کننده سند را باید مشمول حکم ماده دانست یا سایر مقامات مافوق نیز مشمول این حکم خواهند شد؟

### جمع بندی

با توجه به جمیع ملاحظات سیاسی-حقوقی پیش گفته، طرح فوق‌الذکر در راستای راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. با این حال، به‌دلیل مغایرت شکلی و محتوایی این طرح با برخی اصول قانون اساسی (نظیر اصل هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵)) و نیز بند «۹» از سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری یعنی «قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن، معطوف بودن به نیازهای واقعی، شفافیت و عدم ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی، بیان شناسه تخصصی هریک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن، انسجام قوانین، ابتنا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون» تصویب این طرح ضرورت ندارد.